این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

فکری برای بعد از ماه رمضان کنیم!

آیت‌الله فاطمی‌نیا(ره):
آنچه باید از ماه رمضان حاصل شود، تقواست. اینگونه نباشیم که فقط در ماه رمضان اطاعت خدا را بکنیم و در غیر آن ترک طاعت کنیم! بعضی فقط در ماه رمضان نماز می‌خوانند، خوش‌اخلاق هستند، دل نمی‌شکنند! یا مثلاً فقط در این ماه باحجاب مناسب هستند! عزیزان من قرآن که فرمود «کتب علیکم الصیام» برای این است که در این ماه ملکه تقوا بر ایمان حاصل شود، نه اینکه فقط یک ماه رمضان عبادت کنیم و مابقی ایام را به حال خودمان باشیم! سعی کنید تا می‌توانید نورهای کسب شده در این ماه را با گناه نکردن حفظ کنید، اولیاءالله که به آن مقامات عالیه رسیدند در اثر حفظ همین انوار بود!
منبع: کانال تلگرامی «نشر بیانات و دستورالعمل‌های علمای اسلام»!

راه محبت خدا، محبت به خلق خداست

نسیم کاشانی بخش‌هایی از کتاب «کیمیای محبت (یادنامه شیخ رجب‌علی خیاط» را به اشتراک گذاشت: نیکی کردن به مردم برکات فراوانی در زندگی مادی و معنوی انسان دارد. از نظر جناب شیخ رجب علی خیاط مهم‌ترین آثار احسان نورانیت دل و پیدایش حال دعا و مناجات و انس با خداوند متعال است. ایشان معتقد بود که راه محبت خدا، محبت به خلق خدا و خدمت به مردم به خصوص انسان‌های مستضعف و گرفتار است. در حدیث است که رسول خدا فرمود: «مردم خانواده خدا هستند، محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که برای خانواده خدا سودمند باشد و خانواده‌ای را شاد کند.»!

تورم چگونه سرمایه انسانی و تخصص را نابود می‌کند؟

صفحه توئیتری «ایران تلنت» نوشت: میدونید تورم چطوری سرمایه انسانی و تخصص رو نابود میکنه؟ ۱۸ سال درس میخونی، پنج سال هم کار میکنی تا به یه تخصص احاطه کامل پیدا کنی، بعد مجموع حقوق دو سالت میشه اندازه تخفیفی که آدما پای معامله ماشین بهم میدن.

موز ۲ میلیارد تومانی!

کانال تلگرامی «حواس‌پرت» خبر داد: بنظرتون این موز چقدر می‌ارزه؟ این موز رو تاجران افغان در یک خیریه در لندن به حراج گذاشتن تا پول حاصل از خریدش رو به کودکان بی‌سرپرست افغانستان برسونند. این موز با قیمت نزدیک به ۲میلیارد تومان فروخته شده.

سؤالاتی که به جای «چقدر پول داری؟» باید پرسید

کاربری با نام «مهدیار» نوشت: هربار که گفتم «زن میخوام» کسی ازم نپرسید: هدفت از ازدواج چیه؟ مهارت‌های همسرداری رو بلدی؟ اگه با زنت بحثت شد چیکار میکنی؟ اگه یه روز همسرت رو ناراحت دیدی واکنشت چیه؟ و... همه پرسیدن «چقدر پول داری؟»

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تبدیل «شورای همبستگی» به «شورای گسستگی»

پوچ و پر سر و صدا و هیچ!

با خروج حامد اسماعیلیون از شورای همبستگی براندازان، حالا تنها با گذشت حدود ۴۳ روز از آغاز پروژه‌شان، اختلافات داخلی شورای خودخوانده رهبری براندازان به نقطه شکست رسیده است. اسماعیلیون دلیل خروج خود را دیکتاتوری‌های ربع پهلوی بیان کرده و گفته است: «پهلوی درک و شعور احترام به نظر جمع و کارگروهی را ندارد!» پیش‌تر نیز نازنین بنیادی با حذف اکانت توئیتری خود تلویحاً از این پروژه کنار رفته بود. کاربران با تمسخر این اتحاد که مدعی حکومت بر سرزمین پهناور ایران بود، شورای همبستگی را شورای گسستگی خواندند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

■ **علیرضا زادبر:**
تجزیه در شورای تجزیه‌طلبان! حامد اسماعیلیون هم در انتقاد به تمامیت‌خواهی رضا پهلوی از شورای هماهنگی خارج شد! شوی پر سر و صدا!

■ **محمدجواد اخوان:**
معمولاً بعد از شکست دعواها شروع می‌شود! حالا حامد اسماعیلیون می گوید لشکر سایبری ربع پهلوی می‌خواستند به زور سلطنت را بهشون تحمیل کنند! حداقل صبر می‌کردی یه روستایی چیزی را بگیری بعد ادای دیکتاتورمآبی پدر و پدربزرگت را دربیاوری!

■ **علیرضا سلیمانی:**
حامد اسماعیلیون اعلام کرده بخاطر دیکتاتوری رضا پهلوی از شورای همبستگی(!) خارج شده؛ این فروپاشی پرشتاب، دقیقاً همان سرنوشتی است که فردای پیروزی - توهمی‌شان - انتظار ممکلت را می کشید و حالا امیدهای تجزیه ایران یکی پس از دیگری به زباله‌دانی تاریخ می‌روند.

■ **عبدالله گنجی:**
این سنت الهی است که اگر کار و هدف خالصاً برای خدا نباشد تحت تأثیر منیت‌ها و من‌ها، فرو می‌پاشد. اینکه امام فرمود اگر ۱۲۴ هزار پیامبر زیر یک سقف جمع شوند هیچ اختلافی با هم نمی کنند بر همین اساس است. #منشور_گسستگی #اسماعیلیون

■ **میلاد ایمانی:**
اعضای شورای همبستگی چند ماه هم نتوانستند همدیگر رو تحمل کنند و با انصراف یک یکشان، این شورا رسماً از هم گسست! بخش جالب ماجرا آنجاست که اینها می‌خواستند بعد از انقلاب، در کنار هم بر این سرزمین حاکم شوند!

■ **کاربری با نام «آدم»:**
قرار بود شش ماهه کار نظام رو تموم کنن و ایران تجزیه بشه. به شش ماه نکشید گروهشون از هم تجزیه شد. دفعه دیگه خواستید اسم «انقلاب» رو بیارید حواستون باشه تو گلوتون گیر نکنه. #شورای_همبستگی

■ **احسان عبادی:**
سنت خدا همیشه تکرار می‌شود. بخواهی کاری غیرخدایی کنی، حتی جمع چهار نفره هم متفرق می‌شود. اما سیل جمعیت هم اگر باشند و هدفشان خدا باشد، قطعاً متحد و مجموع می‌شوند. این همان نکته باریک‌تر از مو هست که دشمنان نظام نمی‌فهمند! #منشور_گسستگی

■ **حامد صراف‌پور:**
آنقدر با این منشور گسستگی دچار تفرقه و افتضاح شده‌اند که دارند آن را از سر خود وامی کنند و به گردن داخلی‌ها می‌اندازند. [اشاره به گفته حامد اسماعیلیون: «متن منشور همبستگی در داخل ایران تدوین شده است.»] اتوبوس پنچرشان به جایی نرسید و می گویند کار داخلی‌هاست!

■ **حمزه غالبی:**
اسماعیلیون از فاشیست‌های سلطنت که برای اسرائیل مزدوری می کنند جدا شد. از فرقه تروریستی مجاهدین هم جدا بشه، از عملگی برای ناتو و درخواست حمله به ایران دست بکشه و از عضویت در ستاد جنگ اقتصادی امریکا هم استعفا بده و دنبال تحریم بیشتر نباشه، از تجزیه طلب‌ها هم فاصله بگیره...

■ **نجاح محمدعلی:**
منشور همبستگی، طبل تو خالی که چند روزی بیش دوام نیاورد! آنچه از سوی پهلوی در باب منشور همبستگی ذکر شده است بیانگر ذوب شدن یخ وحدت دروغینی است که غرب با رسانه‌ها و مهره‌هایش فریاد می‌زد تا از این رهگذر اجازه افول و مرگ پروژه آشوب را ندهد. جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی با هدف تغییر نظام و چندپاره‌سازی ایران گرچه با موج گسترده‌ای از فضاسازی و به میدان آوردن تمام ابزارهای موجود در پاییز ۱۴۰۱ به اجرا در آمد، اما در نهایت با بیداری و بصیرت ملت و اقدامات و تدابیر نظام با شکست همراه شد.

نقش بزرگ‌ترین ماهی‌های برکه در کسب و کار

کانال تلگرامی «دیجیتال مارکتینگ» نوشت: اگر اندکی در کسب‌وکار خود موفق شوید، اتفاقی جالب برایتان خواهد افتاد. ناگهان با یک گروه از افرادی مواجه خواهید شد که چشم دیدن شما را ندارند. این افراد اسم دارند. اسمشان «رقبا» است. بسیاری از آنها اعتراف کنند یا نه، هر کاری که بتوانند برای بیرون راندن شما از بازی انجام خواهند داد. این استراتژی را بزرگ‌ترین ماهی هر برکه‌ای به کار می‌برد. کافی است متوجه یک ماهی جدید و جوان شود که با خوردن خرده‌غذاهایی که تا دیروز ناچیز به‌نظر می‌رسیدند، هر روز بزرگ‌تر می‌شود.

در سال ۱۹۹۷، زمانی که فروش کامپیوترهای خانگی به ۱۰۰ میلیون دستگاه در سال رسید و حباب دات‌کام (رشد حباب‌گونه شرکت‌های اینترنتی در بازه ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰) درحال شکل‌گیری بود، مایکروسافت یکی از بزرگ‌ترین ماهی‌های برکه بود که قصد داشت جهان را تبدیل به باتلاقی برای زندگی خود کند.

اواخر تابستان آن سال، یکی از مدیران رده‌بالای مایکروسافت به نام جف رایکز، ایمیل معروفی با عنوان «زنده‌باد ذرت‌کاران!» برای وارن بافت، سرمایه‌گذار معروف ارسال کرد (وارن بافت اهل ایالت نبراسکاست و ذرت‌کاران علاوه بر اشاره به محصول کشاورزی عمده این ایالت، لقب یکی از تیم‌های فوتبال امریکایی آن است.) او در ایمیل خود با تشریح فعالیت‌های مایکروسافت، به‌دنبال جلب نظر بافت برای سرمایه‌گذاری در شرکتشان بود.

رایکز، پتانسیل رشد مایکروسافت را به کوکاکولا و شرکت شکلات‌سیز تشبیه کرد (که بافت از سال ۱۹۷۲، سهام آنها را در اختیار خود گرفته بود.) تشبیه او چندان بیراه نبود، چراکه سیستم عامل ویندوز، محصول تحول‌آفرین و گل سرسبد مایکروسافت مانند یک «پل باج‌گیری» بود که تمام تولیدکنندگان کامپیوتر باید برای رسیدن به مشتریان خود از روی آن رد می‌شدند.

جذابیت‌های بصری ویندوز، علاوه بر ایجاد انقلاب در صنعت کامپیوتر، موجب محبوبیت مایکروسافت شده بود. مایکروسافت همان‌طور که رایکز توصیف کرده است، علاوه بر یک پل، یک «خندق» هم ایجاد کرده بود. عرض این خندق با معرفی نرم‌افزارهای افزایش بهره‌وری مانند ورد، اکسل، پاورپوینت، اکسس و... می‌توانست افزایش یابد و به سلطه مایکروسافت بر ۹۰ درصد از سهم بازار بینجامد. مزیت مایکروسافت این بود که چنین نرم‌افزارهایی هم به اندازه ویندوز محبوبیت یافته بودند. یک سال پس از ایمیل رایکز به بافت، مایکروسافت با عبور از جنرال الکتریک تبدیل به ارزشمندترین شرکت جهان شد و پنج سال پیاپی هم این موقعیت را حفظ کرد.

پل باج‌گیری، خندق و آزادی عمل در قیمت‌گذاری حسن تعبیرهایی برای اصطلاح اقتصادی «موانع ورود به بازار» هستند. به‌طور کلی هنگام ورود به بازار دو حالت برای شما اتفاق خواهد افتاد. یا رقبا متوجه ورود شما می‌شوند و با موانع به‌دنبال نابودی شما برمی‌آیند یا هیچ کدام از آنها متوجه ورودتان نخواهند شد. تنها استثنا زمانی است که محصول/خدمتی کاملاً جدید عرضه می‌کنید یا آن را به شکلی کاملاً جدید انجام می‌دهید یا به بازاری خالی از رقیب وارد می‌شوید.

در غیر این‌صورت و اگر مانند اکثر کسب‌وکارها کاملاً متفاوت نیستید، به چه شکلی وارد بازار خواهید شد؟ به‌طور جدی و به مدتی طولانی باید در این باره فکر کنید. آیا مستقیم سراغ درِ اصلی می‌روید و با کوبیدن آن منتظر اجازه ورود می‌شوید؟

تمام سخن ما این است که اگر از درِ فرعی وارد شوید، مجبور به مواجهه با موانع و شکستن قوانین موجود نخواهید شد. چنین روشی را بسیاری از پیشینیان نخبه و خوشفکر استفاده کرده‌اند. آنها پی برده‌اند که درِهای فرعی نه تنها تحت حفاظت شدید نیستند، بلکه اغلب بزرگ‌تر هستند. همان‌طور که پیتر تیل (کارآفرین امریکایی و هم بنیانگذار پی‌پال) در یک سخنرانی سال ۲۰۱۴ در مرکز توسعه حرفه‌ای استنفورد گفته است: «رقابت برای بازنده‌هاست. همیشه سراغ درِ کوچکی نروید که همه به آن هجوم برده‌اند. ساختمان را دور بزنید و از دروازه‌ای وارد شوید که هیچ‌کس از آن استفاده نمی‌کند.»

ChatGPT جایگزین نیروی کار در ژاپن شد

الهام عابدینی در توئیتی نوشت: پنج ماه از معرفی ChatGPT گذشته و فکر کنم ژاپن داره مفیدترین استفاده رو میکنه! مقامات شهر یوکوسوکا در استان کاناگاوا اعلام کردند با توجه به کاهش جمعیت و کمبود نیروی کار، از ChatGPT برای انجام برخی وظایف اداری در شهرداری استفاده خواهد کرد. هوش مصنوعی قراره چقدر دنیا رو متحول کنه.

فرصتی مناسب برای شکست آقایی دلار

سعید مقیسه در توئیتی نوشت: کشورهایی نظیر عربستان و برزیل تبادلات تجاری خود را با چین با یوآن انجام خواهند داد. این فرصت مناسبی است تا ایران نیز کلیه تبادلات تجاری خود با چین را با ارز یوآن انجام دهد تا پروسه واردات مواد اولیه کوتاه‌تر شده و مشکلات ناشی از اطاله زمان در تخصیص، انتقال ارز و حمل به کشورهای ثالث حل گردد.

در معرض بودن و آموختن

محمود مقدسی در کانال تلگرامی خود نوشت: گاهی مسئله بیش از هر چیز بلد نبودن، ندیدن و آشنا نبودن است. می‌فهمی یک جای کار می‌لنگد. می‌فهمی حالت خوش نیست. می‌فهمی این آن چیزی نیست که می‌خواهی. اما چیز دیگری غیر از این ندیده‌ای، راه دیگری بلد نیستی و به فکرت نمی‌رسد که می‌شود جور دیگری هم بود و عمل کرد.

گاهی همه مسئله دیدن کسی است که کاری غیر از ما می‌کند یا به صورتی متفاوت از ما زندگی می‌کند. در همان لحظه با خودت می‌گویی: «آهان، راست میگه. اینطوری هم میشه.» دیدن و آموختن، ظرفیت‌های بالقوه ما را فعال می‌کند. می‌بینیم کسی صبر می‌کند و می‌فهمیم که می‌شود و ما هم صبر می‌کنیم. می‌بینیم کسی رهاتر از ما زندگی می‌کند و می‌فهمیم که می‌شود و تجربه‌اش می‌کنیم. می‌بینیم کسی کمتر از ما می‌ترسد از او یاد می‌گیریم و این نحوه بودن را امتحان می‌کنیم و...

گاهی فکر می‌کنم بخش مهمی از تغییر، در معرض بودن است. اینکه خودت را در معرض تجربه‌ها و آدم‌های متفاوت قرار بدهی و تماشایشان کنی. بگذاری تغییرت بدهند. خیلی وقت‌ها آماده‌ای ولی بلد نیستی. حتی توان تخیل وضعیت متفاوتی را هم نداری. دیدن و تجربه کردن دیگری و آموختن از او آن چیزی است که تو را از خطی نامرئی عبور می‌دهد.

معاویه زمانه‌ات را بشناس

یعقوب ربیعی نوشت: جنگ شناختی همیشه بوده و هست. جنگ شناختی یعنی همین که جوان غسانی در سپاه شام در جنگ صفین شمشیر به دست گرفته و دلاورانه می‌جنگید و علت جنگیدنش را نماز نخواندن امیرالمؤمنین علی(ع) می‌دانست. جنگ شناختی یعنی همین که در بحبوحه جنگ صفین، این قدر فضای ذهنی و ادراکی علیه امام علی(ع) تنگ شده بود که برخی مانند ربیع بن خثیم که جزو زُهّاد ثَمانیه یا هشت زاهد معروف قرن اول بود در حقانیت طرفین شک کرده بودند.

اینهایی که در جنگ صفین و در نزاع معاویه و امیرالمؤمنین علی(ع) آمدند و گفتند: «انّا قد شککنا فی هذا القتال» ما در جنگ شک کردیم اینها انسان‌های کمی نبودند، همگی قراء قرآن و از صحابی عبدالله بن مسعود بودند.

جنگ شناختی مانند آتش افتادن به جنگل است، تر و خشک نمی‌کند؛ از ربیع بن خثیم تا آن جوانک غسانی را اسیر خود می‌کند. کسی که بر فرق علی(ع) ضربه می‌زند علی را می‌شناخت، مقامش را می‌شناخت و حتی در برخی روایات تاریخی تنها کسی بود که سه بار دستان امام را گرفته و با ایشان بیعت کرده بود. اما یکی از عواملی که باعث می‌شود اشقی الاشقیا شود فریفته شدن در همین وسوسه‌های شناختی و ادراکی است.

معاویه مرد، اما داستان فریفتن‌ها و فریفته‌شدن‌ها باقی است. امروز معاویه‌ها تکثیر شده‌اند، یکی از آنتن‌های ملکه و آل‌سعود بیرون می‌زند، یکی از لابه‌لای توئیتر و اینستاگرام. فرق نمی‌کند ممکن است معمم باشد و چند روزی لُمعه دمشقیه یا مکاسب خوانده باشد یا مُکلّایی از دل مکاتب فلسفی و سیاسی یا شاید بازیکنی که غیر از دریبل زدن چیزی در وجودش نمی‌توان یافت.

امروز هم مانند هماورد صفین آنچه نیاز است اول شناخت عرصه است. اول باید شناخت که حق کجاست و باطل کیست؟ چراکه اولین توصیه حضرت امیر این بود که فرمود: «ان الحق و الباطل لا یعرفان باقدار الرجال، اعرف الحق تعرف اهله، و اعرف الباطل تعرف اهله؛ حق با شخصیت‌ها شناخته نمی‌شود؛ حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی و باطل را بشناس تا اهل باطل را بشناسی.»

گام دوم عمار شدن و جهاد تبیین است؛ آنچه شمشیر مالک را تیز می‌کرد زبان بران عمار یاسر بود و شمشیرش آنگاه کند شد که جنگ شناختی تأثیرش را گذاشت و علی(ع) دستور به برگشت داد.

چرا روستاها خالی می‌شوند؟!

علیرضا کمیلی نوشت: چند سال قبل در جمع تشکیل‌دهنده اولیه قرارگاه آبادانی پیشرفت گفتم که دوستان شما با نیت خیر به سمت توسعه روستایی می‌روید ولی خوب است به جنبه هویتی هم در خالی شدن روستاها دقت و تأمل کنید که چرا بیش از ۲۰ هزار روستای خالی از سکنه در کشور داریم که حتی طرح هادی در آنها اجرا شده بود؟! مادامی که روستایی به شهرستان و او به مرکز استان و او به تهران و او به خارج فکر می‌کند و این فرآیند به‌عنوان مسیر ترقی، تلقی می‌شود آیا می‌توان به روستایی گفت حالا که ما تو را توانمند و متمکن کردیم به فکر مهاجرت نباش؟! سال‌ها قبل با چشممان خودمان می‌دیدیم که چطور روستایی‌های منطقه سیستان به زهک و سپس زابل و بعد هم زاهدان، مشهد و تهران مهاجرت می‌کردند! چه مدل‌های توسعه ما و چه سلسله نظام ارزشی که مدرنیسم شرقی برای جامعه می‌سازد منجر به محور شدن شهر و شهرنشینی می‌شود و افراد تنها تعریف یکسان‌سازی شده از پیشرفت را در آنجا فهم می‌کنند! چون تعریف هویت تابع نظام ارزشی است و رسانه هم دائم همان الگوهای شهری را بازآفرینی می‌کند، طبیعی است که نسل جوان روستایی دیگر نخواهد در آنجا بماند، چراکه تولیدکننده و حتی ثروتمند روستایی به لحاظ جایگاه اجتماعی پایین‌تر از کارگر تهران نشین است! سخن بسیار است... همین که به برخی اقدامات جهادی و محرومیت‌زدایی‌مان فکر کنیم کافی است!

تصویر منتخب

ساحل دوطرفه در جزیره قشم
| کانال تلگرامی «تبیان»